

آسیب‌شناسی تدریس تاریخ

اشاره

آموزش و پرورش از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که وظیفه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان را در تمام مقاطع تحصیلی به عهده دارد. یکی از وظایف آموزش و پرورش در زمینه تاریخ، حفظ آداب و سنن و میراث فرهنگی گذشته و همچنین انتقال این میراث فرهنگی به آینده است. حفظ این میراث از طریق خواندن و آموزش تاریخ امکان‌پذیر است. برای آموزش تاریخ به دانش‌آموزان روش‌های مختلفی وجود دارد، اما معمولاً بیشتر معلمان، در بسیاری از مدارس، از روش سخنرانی استفاده می‌کنند. این امر می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد که از آن جمله ضعف کتاب‌های درسی را می‌توان نام برد. لذا با توجه به این مطالب در مقاله حاضر پرسیده‌ایم:

تألیف کتاب‌های درسی تاریخ، توسط آموزش و پرورش، چه تأثیری در نگرش دانش‌آموزان به درس تاریخ داشته است؟

فرض ما بر این است که متن کتاب‌های درسی تاریخ که در وزارت آموزش و پرورش برای مدارس تألیف شده است در بی‌علاقه نمودن دانش‌آموزان به این

دکتر محمد رضا علم

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز

عصمت بابادی

کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز



عکاس: غلامرضا بهرامی

درس تأثیر داشته است.

در نوشتار حاضر علاوه بر بررسی مشکل کتاب‌های درسی تاریخ، به آسیب‌شناسی شیوه‌های تدریس تاریخ در آموزش و پرورش نیز پرداخته‌ایم و تلاش کرده‌ایم با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی به این موضوع پردازیم.

کلیدواژه‌ها: تدریس تاریخ، کتاب‌های درسی تاریخ، آسیب‌شناسی، آموزش تاریخ

کتاب‌های درسی تاریخ

اگر نگاهی دقیق به کتاب‌های درسی تاریخ آموزش و پرورش ببینیم متوجه می‌شویم که پایه و اساس این کتاب‌ها بر نقل وقایع و رویدادهای گذشته بنا شده است. در واقع معلم باید وقایع و رویدادها را برای دانش‌آموز نقل کند و سپس دانش‌آموز هم باید این وقایع و رویدادها را حفظ کند. البته گاهی اوقات دانش‌آموز از روی اجبار این وقایع و رویدادها را حفظ می‌کند تا بتواند در امتحان آخر ترم نمره قبولی بگیرد. این در حالی است که تدریس تاریخ فقط منحصر به حفظ وقایع و رویدادهای تاریخی نیست بلکه یادگیری تاریخ نیز مهم است که این

کار از طریق اطلاعات و دانش جدید ممکن می‌شود.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که با اینکه هدف از خواندن تاریخ، عبرت‌آموزی از تاریخ یا درس گرفتن از آن است ولی این هدف در میان انبوهی از رخدادها و حوادث پنهان مانده است. در واقع از آنجا که دانش‌آموز خود را مقید به حفظ وقایع و رویدادها می‌کند تجربه‌ای از خطاهای گذشته نمی‌گیرد و این باعث کاهش جاذبه یادگیری تاریخ می‌شود. از سوی دیگر حجم زیاد کتاب‌های تاریخ، نسبت به ساعات تدریس، از مشکلات عمده این کتاب‌ها است. راه‌حل این مشکل این است که یا از حجم کتاب‌ها کاسته شود یا ساعت بیشتری به این درس اختصاص یابد.

از دیگر نکاتی که باید به آن اشاره شود متن کتاب‌های درسی تاریخ است که اغلب بر پایه وقایع سیاسی و رویدادهای نظامی بنا شده است و دانش‌آموز، بر همین اساس، از تاریخ تصور درسی خشک و انعطاف‌ناپذیر پیدا می‌کند. این در حالی است که معمولاً دانش‌آموزان به تاریخ اجتماعی علاقه بیشتری نشان می‌دهند امری که در کتاب‌های درسی موجود مغفول واقع

شده است. تازه

در این زمینه اگر

هم مطلبی باشد آن را

در قسمت «بیشتر بدانیم»

کتاب‌ها قرار داده‌اند. که همین

هم خوب است زیرا دانش‌آموزان

مشتاق، به این قسمت از کتاب‌های

درسی تاریخ علاقه بیشتری نشان

می‌دهند با اینکه جزء موارد امتحانی

نیست. در حقیقت دانش‌آموزان این

قسمت‌ها را با فشار روحی- روانی

نمی‌خوانند در حالی که متن کتاب را

که جزء امتحان محسوب است با فشار

روحی- روانی بیشتری می‌خوانند.

البته از دیگر مشکلاتی که باید به آن

اشاره شود این است که کتاب‌های

درسی تاریخ به‌گونه‌ای نوشته شده‌اند

که هیچ‌گونه حسی را به دانش‌آموزان

منتقل نمی‌کند. برای تحقق این

مهم حداقل باید از معلمان متخصص

استفاده شود که متأسفانه در بسیاری

از مدارس از معلمان غیرمتخصص

استفاده می‌شود که این مورد به

بی‌توجهی آموزش و پرورش به رشته

تاریخ بازمی‌گردد که اهمیت چندانی به

این رشته نمی‌دهد، به همین خاطر به

امر تربیت دبیران ماهر هم زیاد توجه

نمی‌شود.

بعضی از دانش‌آموزان به این رشته و کتاب‌های درسی آن توجهی نمی‌کنند و علاقه چندانی به آن ندارند. این امر از یک سو به نگرش حاکم بر جامعه بازمی‌گردد که در آن رشته تاریخ، به دلیل نداشتن بازار کار خوب و نداشتن پرستیژ عالی، مورد بی‌مهری قرار گرفته است و از سوی دیگر به محتوا و نحوه آموزش درس تاریخ برمی‌گردد که هم بر پایه تکرار وقایع و رویدادها استوار است و هم دانش‌آموزان باید مطالبی را که در دوره راهنمایی فراگرفته‌اند دوباره در دوره دبیرستان بخوانند بدون اینکه مطالب جدیدتری دربرداشته باشد. در واقع حل این مشکل، خواهناخواه، بر عهده معلمان تاریخ نهاده شده است که باید درک درست، به روز و علمی از تاریخ داشته باشند و به‌علاوه بر میزان آموخته‌های خود بیفزایند تا بتوانند مطالب جدیدی را به دانش‌آموز منتقل کنند. در این صورت بدون شک درس تاریخ با استقبال دانش‌آموزان روبه‌رو خواهد شد.

در آموزش سنتی و کتاب‌محور کنونی بیشتر قضاوت‌ها یک‌طرفه است. در کتاب‌ها اشخاص تاریخی یا سیاه سیاه‌اند و یا سفید سفید. هیچ‌گاه خوبی‌ها و بدی‌های یک شخصیت تاریخی به خوبی بیان نمی‌شود و دانش‌آموز باید آن شخصیت‌ها را یا خوب مطلق بپندارد یا بد مطلق که این موضوع با قاعده بی‌طرفی مورخ در بیان حقایق تاریخی متناقض است.

انبوهی از اسامی پادشاهان و وزیران و... در کتاب‌های درسی تاریخ، به خصوص تاریخ ایران و جهان ۱ و ۲ علوم انسانی، وجود دارد که حفظ این همه اسامی برای دانش‌آموزان خسته‌کننده است. از سوی دیگر مطالب این کتاب‌ها همواره در حال تغییر است، لذا بهتر است تا چند سال مطالب بدون تغییر بماند و به بیان واقعیت‌ها پرداخته شود.



آسیب‌شناسی و راهکارهایی برای روش تدریس تاریخ

تدریس تاریخ به معنی بیان سیر وقایع تاریخی و علل و پیامدهای مثبت و منفی و نکات آموزنده آنها به صورت نوشتاری و گفتاری است. یکی از قدیمی‌ترین روش‌های آموزشی روش حفظ و تکرار است. در این روش به خاطر سپردن مطالب و تکرار آن و پس دادن آن مهم‌ترین کار به شمار می‌آید. از این روش در مدارس ما بسیار استفاده می‌شود. از جمله محاسن این روش می‌توان به ارزان بودن آن اشاره کرد زیرا نیاز به امکانات و تجهیزات آموزشی ندارد و به معلمان با تجربه نیز کمتر نیاز دارد؛ البته معایبی هم دارد که در نهایت متوجه دانش‌آموز و

معلم می‌شود. در این روش فکر افراد پرورش داده نمی‌شود و معلومات کسب شده رابطه‌ای با زندگی آن‌ها ندارد، همکاری متقابل بین معلم و دانش‌آموز شکل نمی‌گیرد و افراد فعال و شایسته‌ای برای زندگی اقتصادی و اجتماعی تربیت نمی‌شوند. فعالیت در این روش یکنواخت است (شعبانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴۲) این روش تدریس در مدارس بسیار رواج دارد.

معلم از اول تا آخر کلاس صحبت می‌کند، که با توجه به حجم زیاد کتاب و ساعت کمی که برای آن در نظر گرفته شده است، فرصت و امکان پرسش و پاسخ و تبدیل کلاس به اتاق گفت‌وگو با دانش‌آموز فراهم نمی‌شود. دانش‌آموزان نیز از چنین کلاسی خسته می‌شوند و می‌خواهند کلاس درس هرچه زودتر تمام شود زیرا می‌بینند نقش آن‌ها در این روش نقشی منفعلانه است.

البته روش سخنرانی در صورتی که همراه با پرسش و پاسخ باشد می‌تواند دانش‌آموز را از حواس پرتی باز دارد. در این روش معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد که از توضیحات او یادداشت‌برداری کنند که در این صورت کلاس از حالت غیرفعال خارج می‌شود. (سیف، ۱۳۸۴: ۳۷۸) ولی از آنجایی که معلمان غیرماهری هستند که امر تدریس تاریخ را به عهده می‌گیرند این روش تبدیل به روش خسته‌کننده‌ای در کلاس شده است. در واقع این معلمان نمی‌توانند به راحتی رسالت یک معلم واقعی تاریخ را ایفا کنند. در چنین حالتی کلاس تاریخ به مکانی تبدیل می‌شود که دانش‌آموز حتی بدون حضور معلم می‌تواند پاسخ پرسش‌هایش را در کتاب‌های کمک‌آموزشی بیابد.

تاریخ آن‌گونه که در اغلب مدارس آموزش داده می‌شود تنها سلسله‌ای از وقایع و رویدادها نیست بلکه تحلیل علل وقوع آن رخدادها بر اساس

ارتباط آن با جغرافیا می‌تواند از ابزارهای مفید برای یادگیری بهتر تاریخ باشد.

در روش‌های نوینی که آموزش و پرورش برای تدریس تاریخ اختصاص داده است از روش بارش فکری (مغزی) و استفاده از کلاس‌های هوشمندانه برای تدریس صحبت شده است که متأسفانه بسیاری از مدارس فاقد کلاس‌های هوشمندانه‌اند.

معلم تاریخ نباید کلاس «تعلیم» تاریخ را به کلاس «تبلیغ» مبدل سازد. هدف او باید بیان واقعیت باشد و با نقل روایت‌های متفاوت از یک موضوع مطلب را بدون پیش‌داوری به ذهن دانش‌آموزان انتقال بدهد. اگر بخواهیم برای تدریس تاریخ هدفی مشخص کنیم این هدف باید اعتلای مبانی اخلاق حمیده انسان و جهان شمول بودن آن باشد. (کیوان، ۱۳۸۵: ۲۰)

معلمان باید ارزشیابی دانش‌آموزان را نه به سوی تاریخ توصیفی بلکه به سوی تاریخ تحلیلی هدایت کنند. بازدید علمی از موزه‌ها و آثار تاریخی، نقشه جغرافیایی از مکان‌های تاریخی، توجه به اسناد و مدارک تاریخی و نقل داستان‌های جذاب تاریخی و... از راهکارهای ضروری برای تدریس تاریخ به‌شمار می‌آید.

رابطه علت و معلولی است. متأسفانه بعضی از کلاس‌های درس تاریخ به جلسات یک‌سویه تبدیل شده است که معلم صحبت می‌کند و دانش‌آموز تنها چیزی را فرامی‌گیرد که معلم و یا نظام آموزشی از وی انتظار دارند. بدین ترتیب دانش‌آموزان آماده برآورده کردن توقعات معلمان هستند بدون اینکه خلاقیتی از خود نشان دهند. (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۴۴).

از آنجا که ساختار کتاب‌های درسی تاریخ بر پایه نقل وقایع و رویدادهای گذشته بنا شده است، بهتر است در جهت تقویت مهارت‌ها و فهم بهتر تاریخ برای دانش‌آموزان متحول گردد. حجم کتاب‌ها باید کمتر و جزئیات در آن‌ها حذف شود تا فرصت بیشتری برای دانش‌آموز و حتی خود معلم فراهم شود، تا بتواند به تجزیه و تحلیل درستی از واقعیات تاریخی مبادرت ورزد و بتواند دانش‌آموز را به مشارکت فعال ترغیب کند.

معلمان بهتر است از نمودار، نقشه‌های جغرافیایی، مقایسه و تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی در جهت تأمل و تفکر بیشتر دانش‌آموزان، برای درک بهتر وقایع، استفاده کنند. به‌علاوه، آموزش شیوه‌های نقد و تجزیه و تحلیل و آموزش چگونگی یادگیری تاریخ به دانش‌آموزان و در نتیجه افزایش انگیزه آنان باید مورد توجه قرار بگیرد.

استفاده از عکس و اسلاید، گفت‌وگوی کلاسی، خواندن داستان‌های حماسی و شعرهای میهن‌پرستانه، بازدید از موزه‌ها، جشنواره‌ها و جاهای دیدنی برای درس تاریخ جذابتر است. (کانل، ۱۳۶۸: ۵۴۸) در واقع استفاده از فیلم‌های تاریخی، اختصاص بودجه برای بازدید دانش‌آموزان از مراکز و آثار تاریخی به‌منظور مشاهده آن‌ها از نزدیک، تهیه نقشه‌های تاریخی برای درک بهتر رویدادهای تاریخی و

منابع

۱. شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، ج ۱، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵
۲. کانل، بوف، تاریخ آموزش و پرورش در قرن بیستم، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۸
۳. کیوان، مهدی، درباره شیوه تدریس تاریخ در دوره متوسطه، مجله رشد آموزش تاریخ، ۱۳۸۵، شماره ۲۴
۴. سلیمانی، مرضیه، تاریخ آموزشی برای آموزگاران، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، فروردین ۱۳۸۸، شماره ۱۳۱
۵. سیف، علی‌اکبر، روان‌شناسی پرورشی، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۴

عکاس: غلامرضا بهرامی